

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۰۳ اکتبر ۲۰۱۱

علت درونی و بیرونی

منظور از علل درونی و بیرونی، علت درونی و بیرونی تکامل اشیاء و پدیده ها است. علت درونی نشاندهنده تضاد های درونی اشیاء و علت بیرونی بیانگر ارتباط و تأثیر متقابل یک شیء یا پدیده با اشیاء و پدیده های دیگر است. از نظر دیالکتیک مارکسیستی، تضاد های درونی اشیاء علت اساسی و نیروی محرک و تکامل آنها بوده، در حالی که ارتباط و تأثیر متقابل میان اشیاء، علت ثانوی حرکت و تکامل آنها را تشکیل می دهند. تاریخ تکامل طبیعت و جامعه بشری بر این اصل صحه گذاشته و نشان داده است که دگرگونی های جهان مادی و نیز جامعه بشری عمده به تکامل تضاد های درونی آنها وابسته اند. مائوتسه دون می گوید:

"علت اساسی تکامل هر شیء یا پدیده در بیرون آن نیست، بلکه در درون آن است، در سرشت متضاد اشیاء و پدیده ها نهفته است. سرشت متضاد ذاتی هر شیء یا پدیده است و از همین جاست که حرکت و تکامل اشیاء پدیده ها ناشی می شود. سرشت متضاد یک پدیده علت اساسی تکامل آنست، حال آن که رابطه و تأثیر متقابل آن با پدیده های دیگر علل ثانوی را تشکیل می دهند."^۱

دیالکتیک ماتریالیستی با اینکه علت داخلی را علت اساسی تکامل اشیاء می داند، اما به هیچ وجه تأثیر عوامل خارجی را بر حرکت و تکامل پدیده ها نفی نمی کند. زیرا هیچ شیء یا پدیده ای نمی تواند به طور منفرد و مجزا از دیگر اشیاء و پدیده ها وجود داشته باشد و تکامل یابد. علل بیرونی شرط لازم و ضروری وجود و تکامل پدیده ها هستند.

در عین حال علل صرفاً بیرونی نمی توانند چیزی جز حرکات مکانیکی اشیاء را مثل تغییر حجم و کمیت باعث گردند. این علل قادر نیستند تنوع کیفی بی نهایت اشیاء و دلیل گذار از یک کیفیت به کیفیت دیگر را توضیح دهند: در حقیقت حتی یک حرکت مکانیکی که به وسیله یک عامل خارجی به وجود آمده باشد، نیز باید در ارتباط و متناسب با تضاد های درونی اشیاء عمل نماید. رشد ساده، رشد کمی نباتات و حیوانات به تضاد های درونی آنها مربوط می شود و ناشی از تکامل این تضاد های درونی است. در شرایط معینی به نظر می آید که علل خارجی به

^۱ - مائوتسه دون: "در باره تضاد"

طور موقت یک نقش تعیین کننده را در تکامل اشیاء ایفاء می کنند. به عنوان مثال، بدون یک حرارت مناسب، تخم مرغ به چوچه مرغ تبدیل نمی شود، اما باید گفت که درجه حرارت هر اندازه که باشد، نمی تواند مثلاً یک سنگ را به چوچه تبدیل کند، زیرا سنگ فاقد پایه درونی لازم تبدیل شدن به چوچه است. بنابر این فقط با واسطه و از طریق علل داخلی تخم مرغ است که حرارت مناسب قادر است نقش لازم را در تبدیل تخم مرغ به چوچه ایفاء نماید. در زمینه امور اجتماعی نیز درست همین قانونمندی حکومت می کند. عامل تعیین کننده در تحولات هر کشور، عامل داخلی است که توسط قانونمندی های داخلی، توسط تشدید تضاد های ملی و طبقاتی و توسط مبارزه انقلابی پرولتاریا و خلق آن کشور صورت می گیرد. بنابراین در آخرین تحلیل، همانطور که مائوتسه دون می گوید: "علل خارجی شرط تحول و علل داخلی اساس تحول اند. در عین آن که علل خارجی به وسیله همین علل داخلی مؤثر واقع می شوند."^۲

دیالکتیک ماتریالیستی رابطه دقیق میان علل داخلی و علل خارجی را توضیح می دهد. مطابق بینش دیالکتیکی ماتریالیستی، تنها با شناخت و تشخیص تکامل تضاد های داخلی می توان پدیده ها را درک نمود، به تکامل آنها کمک کرد و دگرگونی انقلابی و پیروزی بی وقفه نو بر کهنه را به پیش برد. فقط از این طریق است که رسالت تاریخی پرولتاریا در شناخت و دگرگونی ساختن جهان تحقق می یابد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

²- مائوتسه دون: "در باره تضاد"